



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

CARNEGIE  
ENDOWMENT FOR  
INTERNATIONAL PEACE

## لزوم تغییر رویکرد اروپا در قبال ایران

اروپا به سرعت به یک استراتژی جامع و مهم در قبال ایران نیاز دارد. برای رسیدن به این استراتژی اتحادیه اروپا باید یک راهبرد درازمدت و جامع را که حقوق بشر را در اولویت قرار دهد و از جامعه مدنی ایران حمایت کند در پیش بگیرد. فرصتی که انتخابات جدید اروپا در اختیار اتحادیه قرار داده نیازمند این است که اتحادیه تصویر بزرگ و جامع‌تری از ایران را در میانه افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک و منطقه‌ای در نظر داشته باشد. جمهوری اسلامی همچنان بر موضع سرسختانه‌اش ایستاده است و به رغم اینکه در انتخابات اخیر یک رئیس‌جمهوری اصلاح‌طلب بر سر کار آمده، هیچ تغییر سیستماتیک در ایران مشاهده نمی‌شود. بازیگرانی نظیر چین و روسیه نیز با ایران علیه غرب متحد شده‌اند و حتی ایالات متحده نیز سیاست سخت‌گیری بر ایران را کنار گذاشته است. رویکرد اتحادیه اروپا در قبال ایران نه در زمینه پرنده هسته‌ای پیشرفتی حاصل کرده و نه موجب شده که وضعیت حقوق بشر در ایران بهبود یابد. اتحادیه اروپا باید اولویت‌های استراتژیک خود را در قبال ایران بر اساس ارزش‌ها و منافع‌اش تنظیم کند. سوال اساسی در این میان این است که کدام استراتژی هم‌منافع اتحادیه را تأمین می‌کند و هم به نفع مردم منطقه و مردم ایران است. برای پاسخ به این سوال باید ارزیابی‌هایی درباره تجربیات گذشته در قبال ایران صورت داد. علاوه بر این اتحادیه اروپا باید حقوق بشر و حقوق زنان را در روابطش با ایران در اولویت قرار دهد. مسلماً مشاوره با چهره‌های جامعه مدنی ایران که دانش دقیق‌تری از شرایط داخلی ایران دارند می‌تواند به سیاست‌گذاران اروپایی کمک کند تا درک بهتری از وضعیت ایران داشته باشند و در نتیجه بتوانند نقاط مانور خود را تشخیص دهند. اما مکانیزم مشاوره و همکاری با جامعه مدنی ایران چطور شکل می‌گیرد. از یک سو ارتباط با چهره‌های متعدد کارشناس که روابطی با جامعه مدنی ایران دارند می‌تواند به اتحادیه اروپا کمک کند تا سیاست‌های خاصی در قبال ایران در پیش بگیرد. از سوی دیگر روندهایی با شمول گسترده اثرگذارتر و پایدارتر از روندهای موردی و موضعی است. روندهای موردی منفعلانه است و بیشتر بر افراد تمرکز دارد. مکانیزم مشاوره باید محیطی امن را برای سیاست‌گذار و کارشناسان جامعه مدنی و فعالان ایجاد کند تا بتوانند برای یافتن راه‌حل‌ها همکاری کرده و چالش‌های ساختار سیاست‌گذاری را رفع کنند. یکی از اقدامات اتحادیه اروپا باید منطقه‌ای کردن سیاست‌های فعلی و هماهنگی‌های نهادی باشد. عادی‌سازی روابط ایران و اعراب از سال ۲۰۱۹ و نقش ایران در تنش‌ها از زمان حمله حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر، اهمیت امنیت منطقه را برجسته کرده و روشن نموده که امنیت منطقه‌ای تنها باید با یک رویکرد جامع تأمین شود. اما در اتحادیه اروپا سیاست‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شود که ایران را از مسائل مربوط به خاورمیانه و شمال آفریقا جدا می‌کند. براساس ادراک به وجود آمده درباره منافع منطقه‌ای، اتحادیه اروپا باید سیاست‌هایش را در سطح منطقه‌ای گسترش دهد و ایران را در قالب همکاری‌های منطقه‌ای با همسایگان مشارکت دهد. این همکاری می‌تواند موضوعاتی نظیر اشاعه هسته‌ای، تغییرات اقلیمی، بحران آب، ثبات منطقه‌ای و اعتمادسازی منطقه‌ای را شامل شود. در راستای این رویکرد جامع، هماهنگی‌های منطقه‌ای نباید در سطح ملی متوقف شود اما باید به انزوای بازیگران جامعه مدنی ایران پایان دهد. به کار گرفتن این اولویت‌ها به اتحادیه اروپا اجازه می‌دهد که گزینه‌هایش را در قبال ایران توسعه داده و از محدودیت‌ها عبور کرده و از واکنش انفعالی دور شده و دستورکار فعال‌تری را در پیش بگیرد. این اولویت‌ها همچنین موجب می‌شود که اتحادیه سیاست‌گذاران اتحادیه اروپا راه‌حل‌های پایدارتری را در قبال امنیت ژئوپلیتیک منطقه و تهدیدهای منطقه‌ای به کار بگیرند. این اقدامات برای ایجاد یک رویکرد جامع‌تر می‌تواند شکاف میان هدف اتحادیه اروپا برای حفظ منافع خود و پایبندی به ارزش‌هایش را مرتفع کند.

## ایران چگونه حاکمیت روسیه بر ماوراءالنهر را پذیرفت؟

# زمینه‌های قرارداد آخال از جنگ هرات تا جنگ مرو



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

قرارداد آخال میان ایران قاجاری و روسیه تزاری در کنار سایر قراردادهای دوره قاجار به‌عنوان واگذاری قلمرو گسترده‌ای از ایران شمرده و معرفی می‌شود؛ حال آنکه موضوع این قرارداد درباره مناطقی از آسیای مرکزی و ماوراءالنهر بود که برای قرن‌ها ایران دیگر سلطه‌ای دربار آن‌ها نداشت. قرارداد آخال در واقع به

اسیر و گرفتار شده بود و هر یک به‌گونه‌ای بر این پیکره کهن ضربه می‌زدند. زمانی که بریتانیا برای جدایی افغانستان و هرات معاهده پاریس را به ایران تحمیل کرد و حکومت حائل افغانستان را میان مستعمره هندی خود با ایران و روسیه تزاری ایجاد کرد مسکو نیز پیشروی به سمت جنوب را آغاز کرده بود و در جنگ‌های ایران و روسیه، قفقاز را از ایران جدا کرد و طی نبردهای ممتد خانات مستقل ترکستان را به انقیاد خود درآورد و سپس قرارداد آخال را به ایران تحمیل کرد.

### ماوراءالنهر چگونه از ایران جدا شد؟

شهرهای ماوراءالنهر تا زمان حمله مغول یکی از مناطق مهم قلمرو ایران تاریخی بودند اما پس از این واقعه ترکیب جمعیتی در ماوراءالنهر به سمت قبایل ترک و ازبک تغییر یافت و به مرور هویت و سرنوشت این منطقه از قلمرو ایران تاریخی جدا شد.

ظهور تیمور کورگانی به ازبکان در ماوراءالنهر هویت متمایزی بخشید و با وجود آنکه خود تیمور و نوادگانش با فتح ایران به‌عنوان حاکمان ایرانی حکومت کردند اما پس از تیمور ماوراءالنهر جدا افتاد از ایران سرنوشت دیگری یافت و با ظهور خاندان مغول نژاد شیبانی که هرات و سمرقند و بلخ و بخارا را فتح کردند وارد مرحله جدیدی شد. این جدایی با ظهور دولت صفوی و رسمیت مذهب تشیع در ایران جدی‌تر شد و شاه اسماعیل صفوی در جنگ‌های مرو با شیبیک خان ازبک و جنگ غجدون آنان را شکست داد اما این نبردها در سراسر دوره صفوی ادامه یافت.

پس از دوره صفوی نادرشاه نیز توانست برای مدت کوتاهی بخارا و برخی شهرهای ماوراءالنهر را به قلمرو ایران بازگرداند اما این امر موقت بود و دودمان ازبکی هشتراخی مجدداً بر امارت بخارا تسلط یافتند. با اختلاف میان خاندان‌های حکومتگر در ماوراءالنهر و جنگ میان آنها قدرت این امیران کاهش یافت و به مرور برای یافتن متحد و برخورداری از حمایت قدرتی بزرگتر برخی از آنان نسبت به شاه ایران ابراز اطاعت کردند اما این هم‌پیمانی‌ها ظاهری بود و ایران در عمل سلطه‌ای بر ماوراءالنهر نداشت.

این دوره با شروع حکومت نسبتاً مقتدر آقامحمدخان قاجار در ایران هم‌زمان شد. هم‌زمان با قدرت‌گیری آقامحمدخان در ایران در جنگ میان شاه‌مرادخان ملقب به امیر معصوم امیر بخارا و خان مرو بیرام‌علی خان قاجار عزالدینلو، مرو سقوط کرد و بیرام‌علی خان کشته شد. اهالی مرو به‌عنوان اسیر از مرو بیرون رانده شده به بخارا آورده شدند.

آقامحمدخان که مشهد را تصرف کرده بود، در نامه‌ای به شاه‌مراد خان حاکم بخارا، خواستار بازگرداندن اهالی مرو از بخارا شد. متن نامه بنا به روایت تاریخ منتظم ناصری به این شرح است: «بلخ بامی و مرو شاه‌بجان و زمین داور و سیستان و قندهار و کابل از اجزای ملک پادشاهان ایران بوده‌اند اکنون شما را چه افتاده که بلخ بامی و مرو شاه‌بجان را تصرف نماید و نگاه دست بر قتل بیرام‌علی خان قاجار عزالدینلو که از طوایف علیه ماست گشایید... به تختگاه موروث و مکتسب خود بازگردند و گرد کینه و فزونی نگردند تا ما نیز به حدود و سنور و ثغور قدیمه ایران قانع شویم و از این سوی آب جیحون فراتر نجوییم.» این نامه به خوبی نمایانگر آگاهی تاریخی آقامحمدخان نسبت به حدود تاریخی ایران است و عزم او برای احیای قدرت سیاسی ایران را نشان می‌دهد؛ هرچند گرفتاری‌های آقامحمدخان در قفقاز مانع از ورود او به این منطقه و گوشمالی خانات بخارا نشد اما آوازه قدرت قاجار کم و بیش موجب بالاگرفتن دست ایران در این منطقه شد. محمدحسین خان مروی که موفقات او در تهران چون مدرسه و بازار مروی مشهور است فرزند همین بیرام‌علی خان قاجار بود که از بخارا گریخت و در تهران ماندگار شد و فتحعلیشاه به او لقب فخرالدوله داد و در تهران به خان مروی مشهور بود. منازعه ایران بر سر هرات و شکست ایران مقابل افغان‌ها که از حمایت سیاسی و نظامی بریتانیا بهره‌مند بودند ازبک‌ها و ترکمن‌ها را نیز نسبت به ایران گستاخ کرد و بر همین اساس بارها به خراسان حمله کرده و شهرهای ایرانی را غارت کردند.

امیرکبیر برای آگاهی از وضعیت طوایف و راه‌های ترکستان و همچنین آزادی تعدادی از اسیران ایرانی در خوارزم، رضاقلی خان هدایت را به‌عنوان سفیر به نزد خان خوارزم اعزام کرد که مجموعه گزارش او با عنوان سفارت‌نامه خوارزم منتشر شده است. این گزارش نیز بیانگر عدم آگاهی ایرانیان از وضعیت منطقه است که منافع و امنیت ایران را از این منطقه مورد تهدید قرار می‌داد.

شورش و غارتگری ترکمن‌ها که بر بخش‌هایی از سرزمین‌های شمال ترک تسلط داشتند، همواره یکی از مشکلات شهرهای ایرانی خراسان بزرگ بود و دولت ایران معمولاً همیشه می‌توانست از عهده سرکوب آنان برآید؛ چنان که حدود یک سال قبل از انعقاد عهدنامه پاریس، به همت فریدون میرزا، ترکمانان شورشی که

عمر خانات مستقل خیوه، بخارا و سمرقند پایان داد و ترکمن‌ها و ازبک‌های ماوراءالنهر را تحت سلطه روس‌ها درآورد و زمینه دخالت و حضور ایران در این منطقه را برای همیشه از بین برد و البته حدود مرزی را نیز به نفع روس‌ها و زیان ایران ترسیم کرد. این قرارداد پایانی همیشگی بر چند قرن عدم حضور ایران در ماوراءالنهر بود و سرنوشت این منطقه را حتی تاکنون به نوعی در قبض ید روس‌ها قرار داد. قرارداد آخال بخشی از ماجرای پیچیده و مرموزی بود که بعدها به آن نام بازی بزرگ داده شد و ایرانیان در آن عصر از آن بی‌خبر بودند. شیر پیر ایرانی در میان خرس روسی و عقاب انگلیسی